



# پرویز مشکاتیان رستم موسیقی ایران زمین

ارائه داده‌اند. در پی درخواست مکرر خوانندگان و علاقه‌مندان موسیقی ایرانی، مبنی بر ادامه چاپ ویژه‌نامه‌ها، در این شماره، زندگی استاد پرویز مشکاتیان را به نظر شما می‌رسانیم.

در تاریخ معاصر ایران و از جنبش مشروطه به این سو، شاعران یکی از اقشاری بوده‌اند که همواره بیش‌ترین و عمیق‌ترین تأثیر را بر روند تحولات سیاسی، اجتماعی داشته‌اند. این تأثیر گاه محدود به جوامع دانشجویی و روشنفکری می‌شد و گاه در متن جامعه و در میان توده‌های مردم نیز اثرات خود را برجای می‌گذارد. آن‌طور که در جنبش مشروطه چنین بود. شاعران به بهای وطن پرستی، رنج زندان، لب دوختن، تبعید و دارو درفش را به جان خریدند تا از آلام و رنج‌های مردم دوران خویش سخن بگویند، موسیقی‌دانان ایران زمین اما هرگز چنین درخششی نداشته‌اند و جز تعدادی انگشت شمار که از شاعران متأخر و معاصر خود تأثیر پذیرفته و بر بستر اندیشه آنان آثاری را خلق کردند، دیگری اثری از اندیشگی را در این عرصه شاهد نبوده‌ایم. شاعران اما اشعارشان زمزمه کوچه و بازار بود تا مردم را در مقابل مستبدان دوران آگاه کند. بر اساس همین اشعار بود که بعضی موسیقی‌دانان، آهنگ‌های را ساختند که هنوز بعد از گذشت چند دهه در ذهن تاریخی مردم این سرزمین به یادگار مانده است. به بعضی از این اشعار که بر روی آنها آهنگ ساخته شد و بارها توسط خوانندگان مختلف خوانده شده و بعضی دیگر که زمزمه مردم کوچه و بازار بود اشاره می‌کنیم تا نقش شاعران را در تحولات سیاسی اجتماعی دورا نشان نشان دهیم.

امروزه موسیقی ایران، در گردابی از سرگردانی، حرکات باری به هر جهت، خود خواهی‌ها، حصارهای خاص و تمایلات کودکانه گرفتار آمده است. با شکل فعلی نمی‌توان به مداوای آن امید داشت و سرانجامی جز هدر دادن سرمایه‌های ملی، دوری مردم از موسیقی درست و بی‌انگیزگی استعدادها ندارد. در این میانه می‌توان علل بی‌شماری را که سبب ساز طبیعی چنین اوضاعی هستند بر شمرد، اما علتی که بیش‌تر می‌توان بر آنها تأکید کرد این است که علیرغم تمایلی که به تعالی موسیقی ارزشمند می‌اندشید، فقدان یک تعریف دقیق، سیستماتیک و پذیرفته شده که ضمانت‌های اجرایی محکمی از جانب دولت آن را مورد حمایت قرار دهد، عمده‌ترین کاستی این عرصه است. حاصل این خلاء و چنان ضمانتی سبب شده که موسیقی امروزی و مدعیان حمایت از آن تعابیر و تفاسیر متعددی را در اذهان عمومی بوجود آورد که بررسی آن در این مقاله نمی‌گنجد. آن‌چه که در این ویژه‌نامه بدان پرداخته شده، زندگی یکی از ارزشمندترین موسیقی‌دانان تاریخ معاصر ایران است. موسیقی‌دانی که به واسطه مجموعه ارزش‌هایی که دارد، موسیقی اصیل ایرانی را در چنین بازار کاسب کارانه‌ای، در شکلی متعالی حفظ نموده و بی‌تردید چون همیشه، حضور اقلیتی این گونه، بقای یک تفکر سالم موسیقایی را در موسیقی ایرانی امیدواری می‌دهد. سخن از پرویز مشکاتیان است. موسیقی‌دان و آهنگسازی که در سایه‌سار اندیشه و خلاقیتش، آثار ارزشمندی خلق شده و خوانندگانی که همیشه می‌خوانده‌اند، با او آثاری متفاوت با آن‌چه که پیش و پس از او خوانده‌اند،

ترانه مرغ سحر ملک‌الشعرای بهار از آن جمله است که تاکنون توسط نزدیک به خواننده خوانده شده است.

بلبل پر بسته زکنج قفس درآ  
نغمه آزادی نوع بشر سرآ  
در نفسی عرصه این خاک توده را  
پر شرر کن

یا این شعر عارف که سرود:

از خون جوانان وطن لاله دمیده  
در ماتم سرو قدشان، سرو خمیده

یا شعر دیگر عارف که در سوگ کلنل محمدتقی خان پسیان سروده شد:

این سر که نشان سرپرستی است  
امروز رها زقید هستی است

با دیده عبرتش ببینید

کاین عاقبت وطن پرستی است

یا شعر دیگر عارف که می سراید:

شده ست خانه کیخسرو و آشیانه جغد

من خرابه نشین دلخوشم وطن دارم

یا این شعر میرزاده عشقی که در مذمت جمهوری خواهی رضاخانی سروده شد:

پای جمهوری و دست انگلیس

دزد آمد، دزد آمد، آی پلیس

این چه بیرق‌های سرخ و آبی است؟

مردم، این جمهوری قلبی است

موسیقی دانان از بخشی این اشعار ضد دیکتاتوری و ضد استعماری بهره جستند و بر روی آنها آهنگ ساختند. ترانه‌ها و آهنگ‌هایی که هنوز خوانده می‌شود. یا سرود جاودانه «ای ایران» سروده شادروان گل‌گلاب که زنده یاد روح‌الله خالقی آهنگی زیبا را برای آن ساخت، نیز حاصل همین نگاه و تفکر میهن پرستانه و ضد استعماری یک شاعر و موسیقی دان در دوره اشغال است که اکنون به سرود ملی مردم وطن ما، تبدیل شده است.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، در عرصه موسیقی اندیشه، سکوتی طولانی حاکم شد، هر چند که آثاری ارزشمند در حوزه موسیقی رادیویی خلق گردید، که از آن جمله می‌توان به برنامه «گلها» اشاره کرد. اما در آثار موسیقایی این دوره تنها نگاه موسیقایی بر آثار حاکم است و تنها ترانه «مرا بیوس» سروده زنده یاد حیدر رقابی شاعر وابسته به جبهه ملی، ترانه‌ای است که در دوره خود حرف و حدیث‌ها و تعبیری را سبب شد. مرا بیوس با آهنگ زیبای مرحوم مجید وفادار و صدای مرحوم حسن گل‌نراقی هنوز جزو ترانه‌های ماندگار این سرزمین، محسوب می‌شود. غیر از این، دیگر ترانه‌ای که از رنج‌های و مصائب اجتماعی سخن بگوید دیده نمی‌شود. این سکوت هجده ساله تا سال‌های پایانی دهه چهل طول کشید. از سال ۴۸ به بعد جامعه کم‌کم شاهد تولد شاعران، آهنگسازان و خوانندگان جوان و همراهی شد که در محدوده موسیقی مدرن فعالیت می‌کردند و آثار قابل‌اعتنایی را سروده، ساخته و خواندند. بیش‌تر آن اشعار تحت تأثیر جنگ‌های چریکی شهری، جنگل و فضایی بود که بر جامعه دانشجویی و روشنفکری ایران سایه افکنده بود. از جمله فعالان این عرصه می‌توان از شهیار قنبری، ایرج جنتی عطایی، اسفندیار منفرد زاده، فرهاد مهرداد، فریدون فروغی و یک خواننده دیگر نام برد که به خاطر اجرای آثارشان دستگیری، زندان و مشکلات دیگر را هم تحمل کردند. اسفندیار منفرد زاده که در آن سال‌ها به عنوان پراوازه‌ترین آهنگساز فیلم شهرتی به هم زده بود، اشعاری از شاعران معروف را بر می‌گزید تا خواننده مورد نظرش، فرهاد مهرداد

بخواند که از آن جمله می‌توان «از شبانه ۱» نام برد. از دیگر آثار این گروه می‌توان از «جمعه»، «سال قحطی»، «بوی گندم» و تعدادی دیگر نام برد. در عرصه موسیقی اصیل ایرانی در این دوره ۴۹ تا ۵۶ حرکت خاصی که بتواند جامعه روشنفکری یا دانشجویی کشور را تحت تأثیر قرار دهد دیده نمی‌شود. تندتر شدن حرکت انقلاب در سال ۵۷، فضایی را مهیا ساخت تا چند تن از جوانان فعال در عرصه موسیقی سنتی که از معاشرت با شاعران صاحب اندیشه‌های مانند مهدی اخوان ثالث، احمد شاملو، شفیعی کدکنی و بسیاری دیگر تأثیر پذیرفته بودند به حرکت توده‌ای پیوستند و آثاری ارزشمندی خلق کردند که از آن جمله می‌توان از شعر «ژاله خون» با شعر سیاوش کسرای و آهنگسازی حسین علیزاده، «رزم مشترک» با شعر برزین آذر مهر و آهنگسازی پرویز مشکاتیان و «آزادی» با شعر ابوالقاسم لاهوتی و آهنگسازی محمد رضا لطفی اشاره کرد. فرهاد مهرداد هم «شبانه ۲» را که سروده احمد شاملو بود همراه با آهنگ اسفندیار منفرد زاده خواند.

بعد از ۲۲ بهمن ۵۷، شرایط ویژه ایام پس از انقلاب، حضور تفکرات سیاسی و علل دیگر سبب شد آثاری در عرصه موسیقی ارائه شود، اما اکثر آن آثار، آثاری نبودند که بر جامعه و حرکت آن تأثیر بگذارند بلکه خود تابعی از شرایط موجود بودند و بر بستر شرایطی که مهیا شده بود خلق شده بودند. بعد سکوت و بلا تکلیفی بر موسیقی ایران حاکم شد و تا مدت‌ها هیچ خبری جز اجرای چند کنسرت پراکنده نبود. اولین اثر ارزشمند پس از انقلاب در سال ۶۱ خلق شد. «بیداد» ساخته پرویز مشکاتیان. موسیقی دانی که می‌توان او را از شعورمندترین موسیقی دانان تاریخ این هنر دانست.

#### .... از نیشابوریان

نیشابوریان همواره تاریخ را در کنار خود احساس کرده‌اند. هم جوار خیام و عطار بوده‌اند و شاهد قیام‌ها و حوادثی خونبار و مردان و زنانی فرهیخته، به همین سبب است که نیشابوریان و اهالی سبزوار در خطه خراسان به اهل ادب و هنر شهره‌اند. پرویز مشکاتیان از میان چنین مردمانی برخاسته است. از خانواده‌ای که سیاست، فرهنگ و هنر همواره در آن جاری بوده است. اینک در آغاز دهه پنجم زندگی‌اش هنوز شرو شور جوانان دبیرستانی را دارد و پختگی و فرهیختگی یک مرد جهان دیده را. فروتنی جوانان ۲۲ بهمن را دارد. عاری از تکبر، خود خواهی، سرکوب استعداد‌های جوان و روشه‌ای ناپسندی که گاه می‌تواند در این مرتبه از استادی گریبانگیر بسیاری شود تا همواره خود قطب بمانند و دیگران مریدانی گوش به فرمان. اهل مصلحت نیست و به همین سبب حبس آثارش را بر عرضه آن به هر قیمت می‌پذیرد و هیچ نمی‌گوید.

اهل سیاست است، اما چشم و گوش و جانش امیدوار چراغی است که در خانه ایرانیان روشن باشد. اهل فرقه و حزب و باندی نیست. معتقد است آثارش شناسنامه اندیشه او هستند و آثارش باید مفاهیمی از درد و رنج را که در دل سرزمین تاریخی‌اش نهفته است برای شنودگانش ترسیم کند. آن چه که او را از دیگر موسیقی دانان هم عصر متمایز می‌کند، نگاه اجتماعی او است که در آثارش تجلی می‌یابند. چنان به شعر ایرانی وابسته است که اکنون جزئی از زندگی‌اش شده است. خود نیز شعری گوید اما نمی‌خواهد تا گاه ضرورت آن چه را که سروده منتشر سازد. معیار همزیستی و رابطه‌اش با دوستان و همکاران بر مبنای دوری یا نزدیکی آنان به وفاداری با مردم است. وفاداری که باید در شکلی صادقانه تجلی یابند. به بهار، خانلری، شفیعی کدکنی، شاملو و هر آن کس که در این سرزمین عطر فرهنگ پاشیده عشق می‌ورزد.

بادا که زندگی‌اش همواره پر شکوه و پنجه‌هایش خالق زیباترین آثار در موسیقی این سرزمین باشد. ■